۴۶۴

۵۱۳۸۱

مجدداً فهرست شد
محمد حسین محاتی

از کتاب با بد بکار برد ... کتاب بسیار
... گویا ... باشد

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب مدار الافاضل — فارسی
مصنف
مؤلف فیض بن اسد العلماء دکنی
خطی نستعلیق ۲۴ و ۲۵ سطری
چاپی
سال طبع یا تحریر — عدد اوراق ۲۸۱
جزء کتب لغت شماره ۴۴
شماره عمومی ۳۶۱۰۷ شماره قبض
واقف عضد الملک تاریخ وقف ۱۲۷۶ ه
طول ۲۷ عرض ۱۷ سانتیمتر قفسه

سال ۱۳۴۸ خورشیدی
بازبینی شد

کتاب ... از افاضل المصنفات فیض ...

در علم لغت ...

دوازده روپیه

لغت ۳۶

سال ۱۳۴۸ خورشیدی

بازبینی شد

نام این نسخه
مدار افاضل
است

بسم الله الرحمن الرحیم

ای نام تو ورد هر زبانی ذکر است   در هر دهنی شکر نباتی دگر است   نام تو مدار افاضل اهل الحق
زان نام ترا نام ونشانی دگر است   مدار افاضل ومختار خیار نکته گذار در مبدا هر کار ودر
مطلع هر گفتار حمد وثنای آفریدگاری عزشانه وجل برهانه است که نوع انسان را از سایر اجناس
بفضیلت نطق رنگارنگ ومزیت خرد وفرهنگ ممتاز ساخت وعلم آدم الاسماء کلها بر همه فراز ملک
وملکوت برافراخت ودر مکتب ارشاد وهدایت از مرتبه تعلم وتلمذ بدرجه تعلیم وتحلیم بموجب قل هل
یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون او را اشرف ومکرم بر ملایکه گردانید تا بلغات مختلفه وکلمات
مؤتلفه که چون جواهر زواهر ولالی متلالی از خزاین اسافل واعالی متواتر ومتوالی بیرون میآید
حرف ذکر او نمایند والحق که ذکر ذکران نه بلغت وزبان راجع بهمان ذات مستجمع صفات است   فالنظم
هر کس بزبانی سخن عشق تو گوید   مطرب وعاشق بسرود وغم به ترانه   وصلوات صلوات
البرکات ودرجات زاهر اللمعات بافواج فواج نسمات محدود الغایات والکلمات بان افصح عرب
وعجم دهد نشر دلستان بود ن والعلم المبعوث بجوامع الکلم سخن سرای وما ینطق عن الهوی ان هو
وما ضل صاحبکم وما غوی صلی الله علیه وسلم وعلی آله واصحابه واحبابه وعترته اجمعین اما بعد
فقیر حقیر مقصر مستقصر معتکف زاویه خمول ودور وصدی الله داد فیضی بن اسد العلما و[illegible]
که چون علم لغت تاج جمیع است وصراح ومهذب تمام فنون وهو مؤید الفضلا است وادوات ملتقا
المخصوص درین ایام تمام پیدا کرده اند ودر حل لغات ابیات ودقیقه در تحقیق لسان الشعرا سخن
جدا باشند بنابران بخاطر فاتر این قاصر خطور کرد که کتابی درین فن که محتوی السنه منظوم باشد

مخصوص با دسته دخنه میان و آن برند و این لغت ترکیب یرغو سرهنگ و شیجه

پاره دلت رنجش و قیل طوق یا رنده و قصد کننده یافته بافای موقوف خجت و خذلان

اصل واین محقق است از جنگی شیخ واحدی طبیب اسپ شراه بافو و باده هرزه و دریان

ودهان و خشن و کم گشته نحیجه بفتح با سیم فارسی زاله ترک و سنگدل و سکنجه نسیم بفتح جرم

خام لی خیر بو چون سیرم و امثال او یعنی چه ای برای چه یک اسپ معروف و آفتاب یگانه

ای لی مثل و بی مانند یکه لوای موافق وبی ریا یک رشته یکجان یک رو یعنی لیدیا

وبی نفاق و یکبارگی بلیم بفتح قبا بلیم بفتح ره و رها گرده و هرزه میه بفتح ازرق و سبز رو

و آهوار یعنی اشتر ترکیبه باد سبزن سه اسپ بولیه جنس یعه باقاف مشدد

گریبان یکی در حضومه گردش باخته باخای موقوف تجره و حمزه و شیر ماهی باحش یازه

لرزه یاقوت سرسینه و دهن معشوق ولبهای خاموش بزینه شوم خواهم بجرده بفتح

کیاهیت بام بفتح نام کنیزکی بچه وخشم که از سه روزه راه سوار را می دید و کبوتر خانگی

یاوردی بازنگ مانی بفتح باسبان یحیی نام پیغامبر علیه السلام و نام وزیر

هارون الرشید که پدر او خالد برمکی بود و فضل و جعفر نام وزیر هارون الرشید و جعفر نام

پسران یحیی برمک هم برمکنامه معلوم شود سبحان الله چه کریمان بوده اند که رحمت

بر خاک پاک ایشان باد یزدادی جهان قیمت تخم مرغ چند کور یکرنگی و یکرویی

یعنی اخلاص بی ریا یکجایی ای سهیل و تیغ یازی داد و فزا یعنی نیکو و خوب یعنی بفتح

یعنی و یعنی رحمت کننده یرسقی سرکه یرلغی گناه کاری کلی ولاو یعنی جواهر

یعنی بالا کنندی سجده کرده بلچی راهبر بلتقچی ولیقی فکه بان شبقی صوره بودی

از جنسی سوی

شیدی